



هشدار سپاه نسبت به ترفند آمریکا در تکرار آتش بس و مذاکره برای تجدید قوا پس از شکست در میدان نبرد

مذاکره؛ ابزار فریبکاری آمریکا است

توان نظامی خود است. در این اطلاعیه ضمن تأکید بر اینکه آمریکا نباید فرصت جایگزینی ذخایر تسلیحاتی و از سرگیری حملات را پیدا کند، نسبت به هرگونه استفاده از پایگاه‌های کشورهای دیگر برای تجاوز به ایران نیز هشدار داده شده است.

سپاه پاسداران در تازه‌ترین اطلاعیه خود با تأکید بر ادامه عملیات تنبیهی علیه آمریکا، اعلام کرد که واشنگتن پس از ناکامی در میدان نبرد، با طرح آتش بس و بازگشت به مذاکره به دنبال اجرای «عملیات فریب» برای تجدید قوا و بازسازی



موهومی، فخر فروشی می‌کرد.

مذاکره؛ ابزار فریبکاری آمریکا است

این اطلاعیه سپاه، تأییدکننده مواضع منتقدان مذاکره در چند ماه اخیر است که بارها هشدار دادند هدف آمریکا از آتش بس و مذاکره و تفاهم، صرفاً زمان خریدن برای تجدید قوا و بازسازی تجهیزات نظامی اش در منطقه است. اما متأسفانه جریان غربزده داخل کشور با ذوق زدگی به مذاکرات با آمریکا نگاه می‌کرد و وعده‌های دولت ترامپ برای آزادسازی ۱۲ میلیارد دلار پول‌های بلوکه‌شده ایران یا سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیارد دلاری برای بازسازی را باور کرده بود و در داخل با این وعده‌های موهومی، فخر فروشی می‌کرد.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه شماره ۴۶ عملیات نصر ۱۲ اعلام کرد:

بسم الله قاسم الجبارین

قاتلوه‌م حتی لاتکون فتنه

ملت عظیم‌الشان و تاریخ‌ساز ایران اسلامی؛

استمرار حضور شگفتی‌ساز شما و مطالبات انقلابی‌تان، بزرگ‌ترین عامل دلگرمی رزمندگان اسلام و مقوم ایمان و توکل آنها به خدای متعال است. در ادامه تنبیه متجاوز و پاسخ به جنایات ارتش کودک‌کش آمریکا که سحرگاه امروز با حمله به مسیر زائران ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام، ماهیت یزیدی خود را بیش از گذشته آشکار ساخت و خوی وحشی و قساوت قلب سردمداران آمریکا را بر باری جهانیان به نمایش گذاشت، صبح پنجشنبه رزمندگان سپاه در موج ۲۶ عملیات نصر ۱۲ با رمز مقدس یا ابا عبدالله الحسین^(ع) و تقدیم به زائران اربعین حسینی^(ع) به حملات ترکیبی، واحد ویژه جنگ الکترونیک آمریکا در پایگاه العدیری را تخریب کرده و با حمله به آسایشگاه نیروهای این واحد تعدادی از آنان را به هلاکت رسانده و با مجروح کردن،

برج مراقبت پروازی این پایگاه هم مورد اصابت واقع شد و خساراتی به آن وارد آمد و عملیات تنبیهی نیروهای ما ادامه دارد.

آمریکای شکست‌خورده در میدان جنگ، باز هم درصدد است با خدعه و نیرنگ، فرصت مجددی برای نفثس و تجدید قوا برای حمله ایجاد کنند و در بیانات روزهای اخیر مرتباً از برگشت به مذاکره حرف می‌زند. دشمن باید تاوان عهدشکنی خود را بپردازد و این بار اجازه نخواهیم داد آمریکا با آتش بس‌های فریبنده، ذخایر نفت و مهمات خود را جایگزین و پس از آن مجدداً حملات راز سرگیرد.

ارتش متجاوز آمریکا که در تجاوزات اخیر خود بعد از شروع رسمی مجدد جنگ از پرتاب موشک‌های کروز از شناورهای خود در اقیانوس هند بهره می‌گرفت، با پایان یافتن ذخایر موشکی ناوهای مذکور، روز گذشته به استفاده از هواپیماهای B1 با پرواز از پایگاه هوایی فیرفورد انگلیس روی آورد. همانطور که مقامات وزارت خارجه نیز تصریح کردند هر پایگاهی که برای تجاوز به خاک ایران استفاده شود، هدف مشروع ما است.

به رژیم پادشاهی انگلیس که عامل اصلی بدبختی‌های مردم منطقه ما بوده و سوابق سیاه تجزیه کشورهای اسلامی، کشتارهای گسترده در این کشورها، تحمیل دولت‌های استبدادی و بدتر از همه سازمان‌دهی هدایت عملیات اشغال فلسطین و تشکیل نکتبت اسرائیل را در پرونده خود دارد و بیشترین مشارکت را در تجاوزات اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی ایران داشته، هشدار می‌دهیم بیش از این پرونده خود را سنگین نکنند.

إنا من المجرمین منتقمون

علی خضریان در گفت‌وگو با چارسوق تشریح کرد:

سقوط سود دهی شستا؛ نتیجه مدیریت یک اصلاح طلب افراطی

وقتی شستا را به یک چهره افراطی سیاسی دادید، توقع دارید رشد کند؟

وقتی سود عملیاتی شستا با زیان خالص ۷۱ درصدی مواجه شده، چرا باید هزینه‌های دفتری و اداری بیش از ۵۰ درصد افزایش یابد؟

هزینه‌های مالی شستا ۷۶ درصد رشد کرد.

مدیریت استراتژیک بازوی سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا)، در دولت چهاردهم با چالشی بی‌سابقه در سوددهی و شفافیت روبرو شده است. افت شدید ارزش دلاری دارایی‌ها، صفر شدن سود حاصل از فروش سهام و نقش سیاسی‌کاری‌ها، به ریشه‌های این یک بن‌بست مدیریتی است که ریشه در انتصابات سیاسی دارد.

علی خضریان، نماینده تهران و رئیس هیأت تحقیق و تفتحص از شستاد دوره یازدهم مجلس، در گفت‌وگو با چارسوق با بررسی دقیق صورت‌های مالی شستا، ابعاد بحران جاری، نقش سیاسی‌کاری‌ها در سقوط این هلدینگ و پیامدهای ویرانگر آن بر معیشت بازنشستگان را واکاوی کرده است. بسیاری از نمایندگان جامعه‌کارگری

نسبت به عملکرد غیرشفاف شرکت شستا هشدار می‌دهند و نگاهی به صورت‌های مالی رسمی این شرکت نیز نشان از زیان دارد. دقیقاً چه اتفاقی افتاده که بازوی سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی در وضعیت بحرانی قرار گرفت؟ اتفاق ساده‌ای نیست؛ ما با یک سقوط آزاد در سوددهی شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی مواجه هستیم. شستا طبق اهداف تعیین شده باید به‌بنگاه ثروت‌ساز سازمان تأمین اجتماعی تبدیل می‌شد و ثروت کارگران را تکثیر می‌کرد، اما در دولت چهاردهم، این نهاد به جای سود، زیان تولید می‌کند. این یعنی سرمایه‌کارگران نه تنها رشد نکرده، بلکه در حال بلعیده شدن است. عملکرد غیرشفاف و زیان شستا حتی باعث انتقاد مسئولان سازمان تأمین اجتماعی نیز نشده و آنها هم نسبت به نحوه عملکرد این شرکت اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. متن گفت‌وگو با علی خضریان را در زیر بخوانید:

برخی علت این وضعیت را سیاسی‌کاری می‌دانند. دقیقاً چه اتفاقی افتاده است؟

وقتی مدیریت یکی از حساس‌ترین هلدینگ‌های اقتصادی کشور را به چهره‌های افراطی اصلاح طلب می‌سپارید، نباید انتظار معجزه داشته باشید. ما به مدیران سفارشی سیاسی روبرو هستیم، نه متخصصان. نتیجه سیاسی‌کاری این است که امروز شستا تبدیل به یک جعبه سیاه شده و کمتر کسی می‌داند در آن چه می‌گذرد، چه کسی



نیرو از شرکت‌های تابعه وزارت کار به ویژه کشتیرانی و ال‌ا‌هو در این مدت تعدیل شده‌اند؟ از آن سود حالی درخواست‌های بیمه بیکاری توسط وزارت کار معطل مانده که برخی خانواده‌ها تمام امیدشان به دریافت بیمه بیکاری است، ولی مشخص نیست دلیل گندی در این بخش چیست؟ وزارت کار به جای پرداختن به عزل و نصب‌ها در زیرمجموعه‌های وزارتخانه باید مسائل بیمه بیکاری را حل کند.

دخالت‌های وزارت کار در امور شرکت‌های زیرمجموعه و به ویژه شستا چگونه است؟

در دولت چهاردهم، شستا ظور به محلی برای عزل و نصب‌های سیاسی تبدیل شد است؟ اتفاقی بین صندوق بازنشستگی و وزارت کار درباره هلدینگ آیه صبا به عنوان زیرمجموعه شرکت شستا رقم خورده و دیوان محاسبات به عنوان بازوی نظارتی مجلس مکاتباتی را در این زمینه داشته، ولی مدیرکل حوزه وزارتی وزارت کار در اقدامی خلاف قانون به صندوق بازنشستگی نامه می‌زند که عزل و نصب‌ها را باطل کند. چه کسی به مدیرکل حوزه وزارتی و وزارت کار اجازه می‌دهد که این اقدامات و دخالت‌ها را انجام دهد؟ در حوزه هواپیمایی آسمان به عنوان دیگر شرکت زیرمجموعه این هلدینگ هم برای پرداخت حقوق‌ها از منابع بازنشستگان استفاده می‌شود. سؤال این است که تا چه زمانی باید سرمایه بازنشستگان خرج کارهای روزمره شود؟ من درباره هواپیمایی آسمان با شخص وزیر کار جلسه گذاشتم و راهکارهای عملی دادم، ولی توجهی نشد. سوءاستفاده از منابع این وزارتخانه در قالب‌های دیگری هم اتفاق می‌افتد. ما با وام‌هایی با نرخ ۴ درصد روبرو هستیم که از محل منابع صندوق‌ها به افراد سفارش شده پرداخت می‌شود، در حالی که این تسهیلات مربوط به بازنشستگان به عنوان مالکان اصلی این منابع است که در صف دیافت وام هستند.

ادامه مطلب در صفحه ۴

است که طبق آمارهای موجود، هزینه‌های مالی خود شستا ۷۶ درصد رشد کرده و پس اندازهای کارگران در حال نابودی است. وقتی حرف از سود کاغذی می‌زنم دقیقاً منظورم همین است که شستا برای پرداخت سود سهام به سهامداران از جمله سازمان تأمین اجتماعی و دیگر سهامداران مجبور به دریافت تسهیلات کلان با نرخ‌های بسیار بالاست. به طوری که در صورت مالی ۹ ماهه منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۴، در حدود ۳۰۷ همت فقط هزینه‌های مالی تسهیلات و تأمین مالی پرداخت کرده است. با این وضعیت بازدهی اقتصادی سوددهی شرکت‌های شستا و پرداخت هزینه‌های مالی کلان کم‌رشدن، سرمایه‌های بازنشستگان تأمین اجتماعی آب می‌رود و بعد مدتی چیزی از آن باقی نمی‌ماند. یعنی نه تنها کمکی برای پرداخت حقوق و هزینه‌های درمانی بازنشستگان نمی‌کند، بلکه قوز بالای قوز می‌شود.

شما در مورد عملکرد وزارت کار نیز اخیراً اظهاراتی داشتید. چقدر عملکرد وزارت کار در وضعیت امروز شستا مؤثر است؟

شخص است که عملکرد غیرشفاف و نامعلوم شستا چیزی به زندگی کارگران و بهبود معیشت و حقوق‌های آنها اضافه نخواهد کرد. کار را به جایی رسانده‌اند که سازمان تأمین اجتماعی برای پرداخت حقوق‌های ساده بازنشستگان، مجبور شده استقراض کند. امروز شرکتی با این ابعاد و زیرمجموعه‌ها، نه تنها نمی‌تواند نیاز سازمان تأمین اجتماعی را تأمین کند، بلکه باعث شده سازمان برای تأمین منابع لازم برای پرداخت حقوق‌ها، به سمت استقراض بی‌رود. این در حالی

امنیت شغلی نیروی کار تأکید می‌کنند، چه تعداد

دریای مازندران حدود ۱۰ میلیون تن و بنادر جنوبی نیز نزدیک به ۱۰ میلیون تن ظرفیت جابه جایی کالا در مسیر راهگذر شمال-جنوب دارند. این ظرفیت‌ها می‌توانند برای انتقال دوطرفه کالا مورد استفاده قرار گیرند.

ظرفیت ایران برای فراوری غلات روسیه

مزیت ایران به عبور کالا از قلمرو کشور محدود نمی‌شود. ایران دارای ظرفیت خالی قابل توجهی در صنایع تبدیلی غلات است و می‌تواند به جای اکتفا به ترانزیت، از فراوری غلات و صادرات محصولات نهایی نیز ارزش افزوده ایجاد کند. این ظرفیت‌ها شامل ۱۲ تا ۱۸ میلیون تن در کارخانه‌های آرد و آسیابانی، نیم میلیون تن در صنعت ماکارونی و پاستا و یک میلیون تن در تولید شیرینی و بیسکویت است. این ویژگی به ایران امکان می‌دهد افزون ریفای نقش ترانزیتی، به مرکز فراوری و صادرات مجدد محصولات کشاورزی نیز تبدیل شود. در این الگو، بخشی از غلات روسیه می‌تواند پس از ورود به ایران، متناسب با نیاز بازارهای مقصد به آرد، ماکارونی، بیسکویت و دیگر محصولات غذایی تبدیل شود. این رویکرد درآمد و اشتغال بیشتری در مقایسه با عبور ساده کالا ایجاد می‌کند و سهم ایران از ارزش افزوده زنجیره تجارت غلات را افزایش می‌دهد.

انزامات تبدیل موقعیت جغرافیایی به جریان واقعی بار

بهره‌برداری از این موقعیت به اقدام هماهنگ و فوری نیاز دارد. ایران باید هم‌زمان با مذاکره با صادرکنندگان و شرکت‌های حمل‌ونقل روسی، تعرفه رقابتی و بانباتی برای انتقال غلات تعیین کند، تشریفات گمرکی و مرزی را کاهش دهد و ظرفیت واکن‌های حمل غلات، سیلوها، انبارها و پایانه‌های تخصصی را متناسب با جریان جدید بار افزایش دهد. انعقاد قرارداد‌های بلندمدت با طرف‌های روسی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بدون تضمین حجم مشخصی از بار، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ترانزیتی و تبدیلی توجیه اقتصادی کافی نخواهد داشت. هدف ایران باید تثبیت بخشی از صادرات غلات روسیه در مسیر شمال-جنوب باشد تا حتی پس از کاهش تنش‌های دریای آذوف، استفاده از مسیر ایران ادامه پیدا کند.

فرصت ایران در زنجیره تأمین غذای جهان

روسیه نقشی حیاتی در تأمین غلات و کود مورد نیاز جهان دارد. استفاده از ظرفیت‌های ایران می‌تواند ضمن کمک به ثبات امنیت غذایی بین‌المللی و کاهش نوسانات شدید قیمت در بازارهای جهانی، جایگاه ایران را به عنوان شریکی راهبردی و قابل اعتماد برای کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده تثبیت کند. این روند منافع اقتصادی قابل‌توجهی از محل ترانزیت و صادرات محصولات تبدیلی دارای ارزش افزوده برای ایران به همراه دارد و موجب ایجاد پیوند و وابستگی مثبت برخی کشورها به مسیرهای ترانزیتی ایران می‌شود. هرچند توقف تردد از آبراه دون-آزوف ممکن است موقتی باشد، تهدید حملات اوکراین علیه مسیرها و شناورهای صادراتی روسیه همچنان پابرجاست و تحولات روزه‌ای بعد نیز تداوم این ریسک را نشان داده است. این بحران پنجره‌ای تاریخی برای ایران گشوده است تا با تکلیف بر موقعیت جغرافیایی و زیرساخت‌های موجود، به بازیگری کلیدی در زنجیره تأمین غذای جهان تبدیل شود.



تهدید صادرات غلات روسیه؛

فرصت تاریخی ایران در راهگذر شمال- جنوب

گزارش

حمله اوکراین به ۱۳ شناور روسی و توقف موقت تردد از آبراه دون-آزوف، یکی از مسیرهای مهم صادرات گندم

روسیه را با اختلال مواجه کرد و قیمت این محصول را در بازارهای جهانی افزایش داد. تداوم محدودیت‌ها و گسترش حملات دریایی در روزهای بعد نشان داد ریسک صادرات غلات روسیه از این منطقه می‌تواند فراتر از یک توقف موقت باشد. در چنین شرایطی، موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های ترانزیتی و تبدیلی ایران، راهگذر شمال-جنوب را به گزینه‌ای راهبردی برای انتقال غلات روسیه و تقویت جایگاه ایران در زنجیره تأمین غذای جهان تبدیل کرده است.

روسیه که بزرگ‌ترین صادرکننده گندم جهان است، در پی حملات اخیر اوکراین به شناورهای خود در دریای آزوف، تردد از آبراه دون-آزوف را به‌طور موقت متوقف کرد. در این حملات ۱۳ شناور روسی، از جمله ۱۰ نفتکش، هدف قرار گرفتند و روسیه نیز پذیرش درخواست عبور کشتی‌ها از تنگه کرچ را متوقف کرد. به گفته تحلیلگران بازار، تا یک چهارم صادرات گندم روسیه از مسیر دریای آزوف انجام می‌شود و انتشار خبر محدودیت تردد، قیمت گندم در بورس یورونکست را تا حدود ۴ درصد افزایش داد.

تحولات روزه‌ای بعد نشان داد مسئله به واکنش اولیه بازار محدود نمانده است. تردد از دریای آزوف در روزه‌ای بعد همچنان با محدودیت مواجه بود و با تشدید حملات روسیه و اوکراین به شناورها و زیرساخت‌های بندری در دریای سیاه

انصارالله در برابر عربستان؛

از فشار بر ینبع تا خطر جهش قیمت نفت

انصارالله یمن با اعلام محاصره دریایی بنادر عربستان، کشتی‌های مرتبط با صادرات و واردات این کشور را تهدید کرده است. این اقدام در شرایطی رخ داده که عربستان برای جبران اختلال در تنگه هرمز، صادرات نفت از بندر ینبع را به‌شدت

افزایش داده و دریای سرخ به یکی از مسیرهای اصلی انتقال نفت و ورود کالا به کشورهای حاشیه خلیج فارس تبدیل شده است. حمله به نفتکش‌های سعودی نشان می‌دهد تهدید از مرحله اعلام عبور کرده و تداوم آن می‌تواند صادرات نفت عربستان، هزینه حمل‌ونقل دریایی و واردات غذایی منطقه را تحت فشار قرار دهد. اخیراً انصارالله یمن محاصره بنادر عربستان سعودی را اعلام کرد که تهدید جدی برای شریان حیاتی خلیج فارس و تأمین نفت جهانی به شمار می‌رود. این امر، نتیجه اظهارات مقامات دو طرف و تبادل آتش در هفته گذشته است که روند تنش‌زایی چهارساله بین انصارالله و سعودی را تحت تأثیر قرار داد. در حال حاضر، عربستان روزانه تقریباً چهار میلیون بشکه نفت از بندر ینبع در دریای سرخ صادر می‌کند که ۴۰۰ درصد بیشتر از قبل از جنگ ایران است. زیرا، تنگه باب‌المندب به عنوان جایگزینی ضروری برای تنگه هرمز جهت صادرات نفت مطرح و روزانه بیش از هفت میلیون بشکه در ماه ژوئن از این تنگه عبور کرد. این رقم بیش از جنگ ایران روزانه تقریباً چهار میلیون بشکه بود.

پیامدهای اقتصادی هدف گرفتن بندر ینبع

انصارالله یمن نشان داده که می‌تواند با استفاده از سلاح‌هایی تولیدی در داخل یا از طریق زنجیره‌های تأمین متنوع، تردد دریایی از طریق باب‌المندب را مختل کند. هرچند که انصارالله خط ساحلی در امتداد خود تنگه را کنترل نمی‌کند، اما آن‌ها از انواع قایق‌های کوچک، پهپادها و موشک‌ها برای حمله به بیش از صد کشتی تجاری بین سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ استفاده کردند. این امر، این آبراه بی‌بست‌مایلی را برای اکثر کشتی‌های باورپی،

و دریای آزوف، قیمت گندم اروپا در یک روز حدود ۷ درصد و قیمت قرارداد‌های آتی گندم در شیکاگو حدود ۵ درصد افزایش یافت. برخی تحلیلگران نیز هشدار داده‌اند در صورت تداوم اختلال در مسیرهای دریایی، صادرات گندم روسیه ممکن است ۵ تا ۱۰ میلیون تن کاهش یابد.

این در حالی است که بنادر کلیدی روسیه در دریای سیاه، مانند نووروسیسک، نیز از ابتدای جنگ اوکراین با تهدیدهای امنیتی مواجه بوده‌اند. در چنین شرایطی، راهگذر بین‌المللی شمال-جنوب که از خاک ایران عبور می‌کند، به‌عنوان تنها مسیر معقول و اقتصادی برای جایگزینی با مسیر سنتی دریای سیاه و کانال سوئز مطرح است؛ زیرا بنادر جایگزین روسیه مانند سن پترزبورگ و ولادی‌وستوک، فاصله بسیار بیشتری با بازارهای هدف دارند یا از امکانات محدودی برای بارگیری غلات برخوردارند.

راهگذر شمال-جنوب: مسیر دسترسی روسیه به بازارهای جنوبی
راهگذر شمال-جنوب یک شبکه چندوجهی دریایی، ریلی و جاده‌ای به طول ۷۲۰۰ کیلومتر است که از بمبئی در هند آغاز می‌شود و از طریق اقیانوس هند، خلیج فارس و بندرعباس به بنادر شمالی ایران، از جمله انزلی و امیرآباد و سپس به روسیه و در ادامه به شمال اروپا می‌رسد و به صورت دو طرف کشورهای مختلف مسیر را به یک‌دیگر متصل می‌کند. موافقت‌نامه ایجاد این راهگذر در سال ۲۰۰۰ میان ایران، روسیه و هند امضا شد و این شبکه اکنون دارای شاخه‌های غربی، میانی و شرقی است که ایران را به‌طور مستقیم به شبکه حمل‌ونقل اوراسیا متصل می‌کند.

فرصت تبدیل ایران به مرکز ترانزیت غلات

ایران از زیرساخت‌های قابل‌توجهی برای تبدیل شدن به مرکز ترانزیت و فراوری غلات برخوردار است. در بخش ترانزیت، ریلی و جاده‌ای، ایستگاه‌های مرزی اینچه‌برون با ظرفیت ۳ میلیون تن، سرخس با ۶ میلیون تن و جلفا با ۵ میلیون تن، در مجموع ظرفیتی بالغ بر ۱۴ میلیون تن دارند. مسیرهای جاده‌ای نیز حدود ۱۰ میلیون تن ظرفیت مبادلات ترانزیتی دارند که مجموع ظرفیت ترانزیت زمینی کشور را به رقمی بین ۱۹ تا ۲۴ میلیون تن در سال می‌رساند. در بخش دریایی نیز بنادر شمالی ایران در حوضه

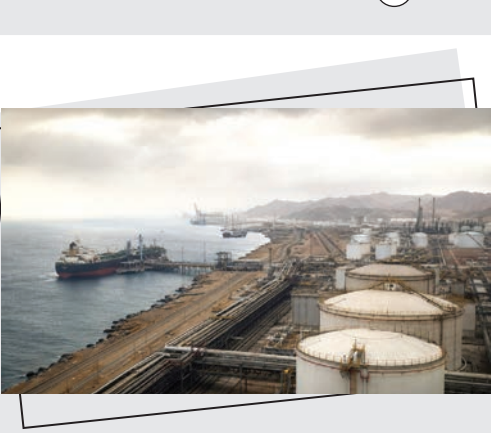
بسیار تهدیدآمیز کرد. مبارزه با این گروه دشوار است، زیرا هرچه دولت ترامپ پس از یک حمله هوایی تهاجمی، اعلام آتش بس کرد. انصارالله در طول سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ از حملات ایالات متحده و اسرائیل آسیب‌های نظامی و اقتصادی قابل توجهی متحمل شد، اما به سرعت زرادخانه خود را بازسازی کرد. تصمیم اخیر انصارالله، می‌تواند عرضه حدود ۷ درصد از عرضه جهانی نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچند این گروه هنوز مشخص نکرده که کدام کشتی‌ها را هدف قرار می‌دهند، اما قصد آن‌ها برای محاصره بنادر عربستان نشان می‌دهد که کشتی‌های عبوری از بنادر عربستان و حامل نفت‌آن، در تیررس قرار خواهد گرفت.

نفت عبوری از شمال تنگه، عمدتاً روانه بازارهای آسیایی می‌شود. انصارالله در عملیات پیشین خود با روسیه و چین برای عبور کشتی‌ها به توافق رسیدند، اما اکنون آن‌ها تمایل اندکی برای عبور کشتی‌های تنش‌زایی چهارساله بین انصارالله و سعودی را دارند. توقف صادرات نفت از طریق تنگه باب‌المندب، به دلیل مسیرهای جایگزین محدود، آسیب جدی به منابع نفتی جهان وارد خواهد کرد. البته، به عربستان اجازه می‌دهد تا صادرات نفت خود از طریق ینبع به سمت شمال، از طریق دریای سرخ به خط لوله «سومد» (SUMED) مصر ادامه دهد که این امر می‌تواند روزانه ۲.۵ میلیون بشکه را به مدیترانه منتقل کند. همچنین، تانکرهای می‌توانند تقریباً یک میلیون بشکه را از طریق کانال سوئز حمل کنند. در حال حاضر، این میزان عرضه به دلیل بسته شدن تنگه هرمز برای بازارهای جهانی بسیار حیاتی است. باید توجه داشت که این امر تهدید جدی برای بخش مهمی از مواد غذایی و سایر واردات عربستان و سایر کشورهای خلیج فارس است، زیرا بنادر دریای سرخ عربستان از زمان آغاز جنگ ایران و انسداد هرمز، به مرکز مهم خلیج فارس تبدیل شده‌اند. با این حال، انصارالله با هدف گرفتن ینبع، می‌تواند صادرات نفت سعودی را مختل کند. پیش از آتش بس



صنعا به شهرهای دوست مانند تهران و مسقط باشد. تحولات پس از اعلام محاصره نشان داد این تصمیم به یک تهدید لفظی محدود نمانده است. انصارالله به شرکت‌های کشتیرانی هشدار داد از حملات ترانزیت را به بندر ینبع متوقف کند. این تحولات نشان می‌دهد باب‌المندب می‌تواند هم‌زمان با تنگه هرمز به دومین نقطه فشار بر صادرات نفت منطقه تبدیل شود. اعلام محاصره بنادر عربستان، پیش از آغاز حملات عملی نیز بر بازار نفت اثر گذاشت. قیمت نفت برنت با افزایش حدود ۲ درصدی به ۹۱ دلار در هر بشکه بالاترین سطح پنج هفته‌ای رسید. تغییر مسیر نفتکش‌های حامل نفت عربستان نیز نشان داد شرکت‌های کشتیرانی، تهدید انصارالله را جدی گرفته‌اند؛ مسئله‌ای که می‌تواند هزینه بیمه، حمل و زمان تحویل نفت و کالا را افزایش دهد. **واکوی رویکرد ریاض: از یافتن راهکار سیاسی تا اقدامی نظامی**
در سال‌های اخیر، ریاض در موقعیت آسیب‌پذیری

اخبار ۳



بدون تنگه هرمز عربستان امکان مدیریت بازار نفت را ندارد

صادرات نفت خام عربستان در ماه مه برای سومین ماه متوالی کاهش یافت و به کمترین سطح ثبت‌شده از آغاز آمارهای موجودی در سال ۲۰۰۲ رسید. این افت نشان می‌دهد ظرفیت تولید بالای عربستان بدون دسترسی کافی به مسیرهای صادراتی، نمی‌تواند کمبود بازار جهانی را جبران کند. خط لوله شرق به غرب و بندر ینبع تنها بخشی از صادرات پیشین عربستان از تنگه هرمز را پوشش می‌دهند و تهدید محاصره دریایی یمن نیز همین مسیر جایگزین را پرهزینه‌تر و کم‌اثرت‌ر کرده است. در چنین شرایطی، توان ایران در کنترل یا مختل کردن تردد هرمز به اهرمی تعیین‌کننده برای تنظیم عرضه جهانی نفت تبدیل شده است.

صادرات نفت خام عربستان در ماه مه به روزانه ۳ میلیون و ۴۳۴ هزار بشکه کاهش یافت؛ درحالی‌که این رقم در آوریل نزدیک به ۳ میلیون و ۹۸۶ هزار بشکه بود. این سومین ماه متوالی کاهش صادرات و پایین‌ترین رقم در مجموعه آماری جودی از سال ۲۰۰۲ محسوب می‌شود. هم‌زمان با این حال، عامل مهم‌تر محدودیت مسیرهای صادراتی پس از کاهش شدید نفت عربستان با مقداری افزایش به ۶ میلیون و ۵۶۰ هزار بشکه در روز رسید، اما این افزایش به رشد صادرات متجر نشد.

بخشی از این تفاوت به مصرف داخلی بازمی‌گردد. خوراک پالایشگاه‌های عربستان در ماه مه به ۲ میلیون و ۳۸۶ هزار بشکه در روز رسید و مصرف مستقیم نفت خام برای تولید برق نیز به ۶۲۷ هزار بشکه افزایش یافت. با این حال، عامل مهم‌تر محدودیت مسیرهای صادراتی پس از کاهش شدید تردد در تنگه هرمز است.

ظرفیت تولید با ظرفیت صادرات برابر نیست

عربستان معمولاً به‌عنوان مهم‌ترین دارنده ظرفیت مازاد تولید نفت و تنظیم‌کننده بازار جهانی شناخته می‌شود. اما بحران اخیر نشان داده است که توان تولید، بدون زیرساخت انتقال و مسیر دریایی امن، الزاماً به عرضه بیشتر در بازار جهانی تبدیل نمی‌شود.

پیش از جنگ، عربستان روزانه حدود ۶ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز صادر می‌کرد. پس از اختلال این مسیر، ریاض صادرات را به خط لوله شرق به غرب و بندر ینبع در دریای سرخ منتقل کرد. ظرفیت اسمی این خط لوله روزانه حدود ۷ میلیون بشکه است، اما نزدیک به ۲ میلیون بشکه آن برای تغذیه پالایشگاه‌های ساحل غربی استفاده می‌شود و تنها حدود ۵ میلیون بشکه می‌تواند به صادرات اختصاص یابد. بنابراین حتی استفاده کامل از این مسیر نیز جایگزین کامل صادرات پیشین از هرمز نیست.

وجود ظرفیت مازاد در میداین نفتی عربستان زمانی بر بازار اثر می‌گذارد که نفت تولیدشده امکان خروج از کشور را داشته باشد. بسته‌ماندن یا فعالیت محدود هرمز، سقفی زیر توان صادراتی عربستان قرار داده و اجازه نمی‌دهد ریاض نقش سنتی خود را در جبران کمبود عرضه ایفا کند.

ذخایر نفتی: صادرات ابتدای جنگ را با لا تنگه داشت

در هفته‌های نخست جنگ، عربستان توانست صادرات از ینبع را به‌شدت افزایش دهد. بارگیری نفت از این بندر در ماه مارس به حدود ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز رسید؛ درحالی‌که تولید عربستان به دلیل اختلال در برخی میداین کاهش یافته بود. این هم‌زمانی نشان می‌دهد احتمالاً بخشی از صادرات اولیه با استفاده از نفت ذخیره‌شده و موجودی‌های عملیاتی پشتیبانی شده است. بااین حال، داده مستقیمی وجود ندارد که پایان یافتن ذخایر عربستان را اثبات کند. آنچه می‌توان با اطمینان بیشتری گفت این است که امکان استفاده گسترده و مستمر از ذخایر برای حفظ صادرات در سطح ماه‌های نخست محدود شده است. ارقام ماه مه نشان می‌دهد تقریباً تمام تولید جاری عربستان میان پالایشگاه‌ها، مصرف داخلی و صادرات تقسیم شده و فضای محدودی برای ادامه برداشت سنگین از ذخایر باقی مانده است. درنتیجه، صادرات عربستان بیش از گذشته به تولید روزانه و سقف انتقال خط لوله شرق به غرب وابسته شده است؛ سقفی که پایین‌تر از نیاز بازار برای جبران کامل عرضه از دست‌رفته هرمز قرار دارد.

تهدید یمن علیه مسیر جایگزین هرمز

اعلام محاصره دریایی عربستان از سوی نیروهای یمنی، فشار تازه‌ای بر مسیر دریای سرخ ایجاد کرده است. سه نفتکش حامل نفت عربستان برای چین و هند پس از این هشدار در دریای سرخ تغییر مسیر دادند و به جای عبور از باب‌المندب، به‌سوی کانال سوئز حرکت کردند.

استفاده از کانال سوئز، خط لوله سومد و سپس حرکت از مدیترانه به دور آفریقا می‌تواند تا چهار هفته به زمان انتقال نفت عربستان به مشتریان آسیایی اضافه کند. این مسیر هزینه سوخت، کرایه نفتکش و بیمه را افزایش می‌دهد و با طولانی‌تر کردن سفر کشتی‌ها، ظرفیت مؤثر ناوگان حمل‌نفت را نیز کاهش می‌دهد.

حتی اگر محاصره کامل عملی نشود، تغییر مسیر کشتی‌ها و افزایش هزینه بیمه کافی است تا مزیت بندر ینبع به عنوان جایگزین هرمز کاهش یابد. عربستان اکنون با دو محدودیت هم‌زمان روبه‌روست: مسیر شرقی آن از هرمز عبور می‌کند و مسیر غربی نیز در معرض تهدید باب‌المندب قرار گرفته است.

اهرم تنظیم بازار در دست ایران

کاهش صادرات عربستان نشان می‌دهد بازار نفت نمی‌تواند تنها با اتکا به ظرفیت تولید این کشور از بحران عبور کند. عربستان برای تبدیل ظرفیت تولید به عرضه واقعی، همچنان به تردد گسترده از تنگه هرمز نیاز دارد. حتی پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی از افزایش عرضه جهانی در سال آینده نیز مشروط به افزایش عبور نفتکش‌ها از این تنگه است. این وضعیت به معنای کنترل کامل ایران بر بازار جهانی نفت نیست؛ کشورهای مصرف‌کننده همچنان می‌توانند از ذخایر، کاهش تقاضا و مسیرهای جایگزین استفاده کنند. بااین حال، توان ایران در محدود کردن یا تسهیل عبور از هرمز، تعیین می‌کند چه مقدار از ظرفیت تولید عربستان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس عملاً به بازار جهانی برسد. تا زمانی که هرمز به‌وضعیت عادی بازنگردد، عربستان نمی‌تواند به‌تنهایی کمبود نفت جهان را جبران کند. تشدید ناامنی در دریای سرخ نیز مسیر جایگزین را محدودتر می‌کند و فشار کمبود فیزیکی نفت را افزایش می‌دهد. درنتیجه، اهرم اصلی تنظیم کوتاه‌مدت عرضه جهانی نفت، بیش از ریاض، در اختیار ایران قرار گرفته است که بر شرایط عبور از تنگه هرمز اثر تعیین‌کننده دارد.

است. اولین اثر این ماده، در اولویت قرار گرفتن شرکت‌های بزرگ و صاحب منابع و دارایی‌های بزرگ است. این شرکت‌ها صرفاً با سپرده‌گذاری در بانک، یا خرید و تحویل طلا به بانک و یا خرید اوراق گواهی سپرده، می‌توانند تسهیلات کلان و بدون نیاز به رعایت ذی‌نفع واحد و نسبت ۲۰ درصدی تسهیلات به سرمایه‌لایه یک، دریافت کنند.

دومین اثر، تشویق شرکت‌های بزرگ به دریافت تسهیلات، به‌جای استفاده از منابع و سرمایه‌ی خود برای توسعه کسب‌وکار و یا حتی سرمایه در گردش، است. شرکت‌ها می‌توانند منابع خود را سپرده‌گذاری کرده و با طلا و اوراق گواهی سپرده بخرند و ۸۵ درصد ارزش این دارایی‌ها که در وثیقه بانک قرار می‌گیرند، تسهیلات دریافت کنند.

بعد از اتمام دوره بازپرداخت، تسهیلات‌گیرنده کل دارایی‌های خود را از بانک تحویل خواهد گرفت. حال اگر دارایی ارائه‌شده طلا باشد، بانک فقط نقش نگهدارنده مطمئن را ایفا کرده‌است و این دارایی در سررسید مجدداً عودت داده خواهد شد.

درواقع، در این روش، سرمایه اندوخته‌شده شرکت که از مابه‌التفاوت درآمد و هزینه به دست آمده‌است، با می‌تواند بین صاحبان سهام توزیع شود یا اینکه این سرمایه‌ها به دارایی‌های نقدشونده دیگری که در این دستورالعمل آمده‌است، تبدیل شود. بنابراین بنگاه‌های بزرگ دیگر انگیزه‌ای برای اختصاص سود انباشته خود به طرح‌های توسعه‌ای نخواهند داشت.

تمرکز بیشتر ثروت و تشدید نابرابری

اثر دیگر که بسیار حائز اهمیت است، اثر منفی تمرکزپرداخت تسهیلات به تعداد کمتری از متقاضیان بر توزیع ثروت است. اگر منشأ بسیاری از دارایی‌های مالی و غیرمالی در چند دهه اخیر را منابع بانکی بدانیم، درواقع نظام بانکی به یک ساختار بازتوزیع ثروت تبدیل شده‌است. بنابراین، پرداخت بیشتر تسهیلات به تعداد کمتری از مشتریان، منجر به افزایش تمرکز ثروت نزد عده کمتری از اشخاص و تشدید فاصله طبقاتی خواهد شد.

شرایطی برای کاهش ریسک بدون ایجاد رانت

حال که عواقب ماده ۱۴ این دسستورالعمل را برشمردیم، چه پیشنهادی قابل طرح است که هم مشکل تأمین مالی را برطرف کند و هم این آثار مخرب را نداشته باشد؟ متن ماده ۱۴ می‌تواند با این محتوا نوشته شود که استثنائات قیدشده در ماده ۱۴، در صورتی اعمال شود که شرکت متقاضی یک شرکت سهامی عام یا شرکت تعاونی عام باشد، شرکت متقاضی هیچ‌گونه تسهیلات معوق بانکی نداشته باشد، طرح شرکت از نظر اقتصادی دارای توجیه باشد و بازگشت سرمایه آن مشخص باشد، سهم تسهیلات از کل هزینه تأمین مالی پروژه حداکثر ۵۰ درصد باشد و تسهیلات بانک پس از هزینه‌کرد آورده شرکت تخصیص داده شود.

تاکید بر سهایی عام یا تعاونی عام بودن بنگاه با هدف کاهش نسبی اثر توزیع ثروت پیشنهاد شده‌است و تعیین سهم حداکثر ۵۰ درصد تسهیلات از هزینه کل پروژه در راستای کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری سود عملیاتی بنگاه و کاهش انکای و تقاضای تسهیلاتی بنگاه است.

ازجایی طرح از نظر فنی و اقتصادی و همچنین تأکید بر محصول صادرات محور یا جایگزینی واردات هم با هدف ضروری بودن و دارا بودن نفع عمومی پروژه اقتصادی مدنظر گرفته است.

لزوم حذف طلا از وثایق مشمول استثنا

علاوه بر این، در ترکیب دارایی‌های پذیرفته‌شده، مسکوکات و شمش طلا (و هر نوع فلز گرانبهای دیگر) حذف شود؛ چراکه این قید، شرکت‌ها را به خرید دارایی‌های غیرمولد تشویق می‌کند و انگیزه بنگاه را برای به‌کارگیری سود عملیاتی خود در زنجیره ارزش و طرح‌های توسعه‌ای کاهش می‌دهد.

نظارت بر جریان تسهیلات و مبارزه با رانت‌های بانکی

رئیس کمیسیون اصل نود مجلس با اشاره به عدم عدالت در توزیع منابع بانکی و ویژه‌خواری در اعطای تسهیلات در پایتخت، از الزام بانک‌ها به انتشار گزارش‌های شفاف تسهیلات کلان خبر داد و هشدار داد چنانچه بانک‌های خصوصی در ارائه تسهیلات متناسب با سپرده‌های هر استان همکاری نکنند، باید با واکنش مردم و خروج سرمایه‌ها از این بانک‌ها مواجه شوند. عدالت در توزیع منابع بانکی و شفافیت در اعطای تسهیلات، یکی از محورهای اصلی نظارتی کمیسیون اصل نود مجلس است. حجت‌الاسلام والمسلمین نصرالله پژمان‌فر، رئیس کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با خانه ملت، از نقادهای موجود در توزیع منابع بانکی میان استان‌ها و پدیده جابجایی دفاتر برای دسترسی به تسهیلات در تهران سخن گفت و خواستار ایجاد ساختارهای پاسخگوی بانک‌های خصوصی در سطح استان‌ها شد.

نبرد با پنهان‌کاری، الزام به شفافیت در تسهیلات کلان

وی در تشریح رویکرد این نهاد در حوزه منابع بانکی اظهار کرد: یکی از اولویت‌های ما، برقراری عدالت در توزیع منابع و مبارزه با پنهان‌کاری در برخی بانک‌هاست. برای دستیابی به شفافیت، قوانینی را به اجرا گذاشتیم که براساس آن، بانک‌ها ملزم به انتشار گزارش تسهیلات کلان در وب‌سایت‌های رسمی خود و ارسال گزارش‌های فصلی به کمیسیون اصل نود هستند. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم افزود: بررسی‌ها نشان می‌دهد سهم برخی استان‌ها از منابع بانکی به‌طور غیرعمرنتی بیشتر از سهم واقعی آن‌ها است. اگرچه حمایت از مناطق محروم یک ضرورت است اما توزیع منابع باید بر اساس معیارهای منطقی و منطبق با سپرده‌گذاری‌های صورت گرفته در هر منطقه باشد. رئیس کمیسیون اصل نود مجلس با انتقاد شدید از نحوه اعطای تسهیلات در پایتخت اشاره کرد و گفت: در تهران، تسهیلات با راحت‌ترین روش‌ها و بدون سخت‌گیری‌های معمول اعطا می‌شود. این موضوع منجر به پدیده‌ای شده که بسیاری از مجموعه‌ها، کارخانه‌ها و حتی دفاتر اداری خود را تنها برای بهره‌مندی از این ویژه‌خواری به تهران منتقل می‌کنند. وی با ذکر مثالی از سازمان‌ها اشاره کرد: برخی دفاتر حتی برای دریافت تسهیلات، دفاتر خود را در تهران ثبت می‌کنند. تمرکز بیش از حد ادارات و دفاتر در تهران، نتیجه مستقیم سیاست‌های غلط بانکی و اداری است که قابل دفاع نیست و باعث فشار مضاعف بر زیرساخت‌های پایتخت شده است. پژمانفر با اشاره به وضعیت استان خراسان رضوی به عنوان منطقه‌ای با پتانسیل بالا اما محروم از سهم واقعی تسهیلات، اظهار کرد: در استان‌ها، کانون بانک‌های دولتی فعال است و استاندار و نمایندگان می‌توانند از طریق آن پیگیری مسائل باشند اما در بخش بانک‌های خصوصی، هیچ ساختار پاسخگویی در سطح استان وجود ندارد و تمامی امور به تهران ارجاع می‌شود.



دستورالعمل جدید تسهیلات کلان؛ کاهش ریسک بانک یا مسیر تازه تمرکز تسهیلات؟

گزارش

مرتضی ماکنالی

دستورالعمل جدید تسهیلات کلان بانک مرکزی با پیش‌بینی استثنای ماده ۱۴، عملاً محدودیت‌های پرداخت تسهیلات کلان را برای تسهیلات دارای وثایق نقد و شبه‌نقد تا حد زیادی کاهش داده‌است. این رویکرد اگرچه با هدف کاهش ریسک اعتباری بانک‌ها طراحی شده، اما به نظر می‌رسد سایر اهداف مهم سیاست‌گذاری اعتباری، از جمله توزیع متوازن منابع، مدیریت تقاضای تسهیلات و هدایت اعتبارات به فعالیت‌های مولد را نادیده گرفته‌است. درنتیجه، این مقرره می‌تواند به تمرکز بیشتر تسهیلات در اختیار بنگاه‌های بزرگ، کاهش انگیزه استفاده از منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری و افزایش تمرکز ثروت در اقتصاد منجر شود.

هیات عالی بانک مرکزی در تعریف جدید قانون بانک مرکزی و الزامات مربوط به گزارشگری در این قانون، دستورالعمل جدید تسهیلات و تعهدات کلان را تصویب کرد. این دستورالعمل ۳۴ ماده‌ای که در ۸ تیرماه ۱۴۰۵ به شبکه بانکی ابلاغ شده‌است، نکات قابل توجه و تأملی دارد که در این فرصت به موارد مهم آن می‌پردازیم.

یکی از تغییرات مهم این دستورالعمل، تغییر بنیای محاسبه و نسبت‌گیری تسهیلات کلان است. در دستورالعمل قبلی،

دولت به وعده ارائه تسهیلات ۷۰۰ همتی به حوزه تولید عمل نکرد

عضو هیات رئیسه مجلس با بیان اینکه قرار بود دولت با افزایش نرخ ارز، میزان ۷۰۰ همت تسهیلات به بخش تولید تخصیص دهد، گفت: واقعیت این است که بر اساس مشاهدات میدانی تاکنون دولت به این وعده خود عمل نکرده و بسته‌های حمایتی تولیدکنندگان را نیز عملیاتی نکرده‌است.

علیرضا سلیمی در مورد انتقاداتی پیرامون عدم تخصیص ۷۰۰ همت تسهیلات به حوزه تولید، گفت: دولت زمانی که بر اساس مشاهدات میدانی تاکنون دولت به این وعده خود عمل نکرده و ممکن است پرداخت‌های اندکی داشته باشد اما به تعهداتش به‌طور کامل عمل نکرده‌است. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم با اشاره به اختلاف بین وزارت صمت و بانک مرکزی پیرامون میزان تخصیص تسهیلات ۷۰۰ همتی به بخش تولید، خاطر نشان کرد: اگر اختلافی بین اجزای دولت بود، از سوی دیگر قرار بود متناسب با افزایش نرخ تورم، میزان تسهیلات ۷۰۰ همتی برای بخش تولید را نیز افزایش دهد. وی تصریح کرد: واقعیت این است که بر اساس مشاهدات میدانی تاکنون دولت به این وعده خود عمل نکرده و ممکن است پرداخت‌های اندکی داشته باشد اما به تعهداتش به‌طور کامل عمل نکرده‌است. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم با اشاره به اختلاف بین وزارت صمت و بانک مرکزی پیرامون میزان تخصیص تسهیلات ۷۰۰ همتی به بخش تولید، خاطر نشان کرد: اگر اختلافی بین اجزای دولت

اعتبار کالابریگ الکترونیک متناسب با گرانی‌ها نیست

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: اعتبار کالابریگ الکترونیک متناسب با گرانی‌ها نیست. فاطمه مقصودی گفت: در پی تداوم روند صعودی قیمت کالاها ی اساسی و شکاف عمیق میان درآمد خانوار و هزینه‌های معیشت، باید بازنگری فوری در مبلغ تخصیصی کالابریگ الکترونیک صورت بگیرد. وی افزود: در صورت عدم افزایش متناسب اعتبار کالابریگ با نرخ تورم، هدف‌گذاری این طرح برای حفظ امنیت غذایی دهک‌های پایین جامعه با چالش روبرو خواهد شد؛ بنابراین تصمیمات لازم باید در این رابطه اتخاذ شود. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس بیان کرد: قدرت

تسهیلات کلان با سرمایه نظارتی نسبت‌گیری می‌شد، اما در دستورالعمل جدید، تسهیلات کلان با سرمایه لایه یک مقایسه و نسبت‌گیری می‌شود. به‌طور معمول، رقم سرمایه لایه یک از عدد سرمایه نظارتی بزرگ‌تر است، اما در دستورالعمل، برای حل این مسئله، نسبت ۱۰ درصد سرمایه نظارتی را به ۵ درصد سرمایه لایه یک تغییر داده‌است.

ماده ۱۴ چگونه محدودیت تسهیلات کلان را بی‌اثر می‌کند؟

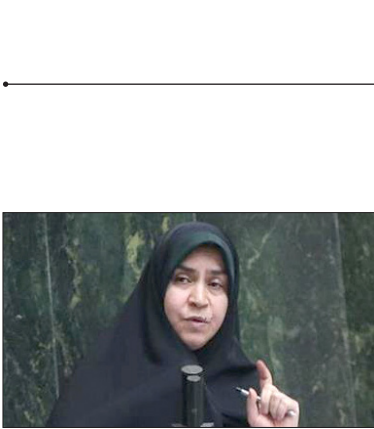
اما آنچه که در این دستورالعمل به‌شدت مورد اهمیت است، استثنایی است که در ماده ۱۴ در نظر گرفته شده‌است. در این ماده آمده‌است: «در تسهیلات و تعهداتی که وثیقه آن‌ها دارایی‌های نقد و شبه‌نقد (اعم از ریالی و ارزی) نظیر مسکوکات و شمش طلا، سپرده قرض الحسنه پس‌انداز، سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت و یا گواهی سپرده سرمایه‌گذاری عام و یا خاص، اوراق بهادار منتشره و یا تضمین‌شده توسط دولت جمهوری اسلامی ایران یا بانک مرکزی در چارچوب ضوابط موضوعه باشد، مشروط بر اینکه ارزش وثایق مذکور حداقل معادل ۱۰۰ درصد مانده اصل، فواید مرتبته‌ای اسود و وجه التزام تأخیر تأدیه (حسب مورد) تسهیلات و یا تعهدات موجود در سامانه‌های عام و یا خاص، اوراق بهادار منتشره و یا تضمین‌شده توسط دولت جمهوری اسلامی ایران یا بانک مرکزی در چارچوب ضوابط موضوعه موضوع ماده ۱۲۷ این دستورالعمل باشد، مانده اصل تسهیلات و یا مانده تعدیل‌شده تعهدات (مطابق ماده ۵ این دستورالعمل)، به میزان ۸۵ درصد ارزش وثایق مذکور با رعایت حدود مندرج در ماده ۹ این دستورالعمل مستثنی می‌گردد.»

تشویق بنگاه‌ها به وثیقه‌گذاری به جای سرمایه‌گذاری
اما این ماده چه آثاری می‌تواند داشته باشد؟ این آثار از منظر تسهیلات‌دهنده، متقاضی تسهیلات و اقتصاد کلان قابل بررسی

دولت به وعده ارائه تسهیلات ۷۰۰ همتی به حوزه تولید عمل نکرد



در این مورد وجود دارد باید در هیات دولت حل کنند و نباید آن را رسانه‌ای می‌کردند. وی با بیان اینکه تولیدکنندگان به صراحت گفته‌اند که هنوز دولت بسته‌های حمایتی که وعده داده بود را نیز عملیاتی نکرده‌است، اظهار کرد: باید بسته‌های حمایتی به‌آخر زنجیره تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برسد اما مشخص نیست که آیا این بسته‌ها به کمر ماه یا به عالم برزخ فرستاده شده‌است چراکه تولیدکنندگان از نحوه اجرای این بسته‌ها بی‌اطلاع هستند بنابراین دولت‌مردان در این زمینه نباید به سخنرانی اکتفا کنند



مقصودی اظهار کرد: مبلغ کالابریگ نه تنها براساس تورم نقطه به نقطه مواد غذایی، بلکه متناسب با افزایش واقعی قیمت‌ها در بازار آزاد تعدیل شود تا چتر حمایتی دولت کارآمدی خود را از دست ندهد.